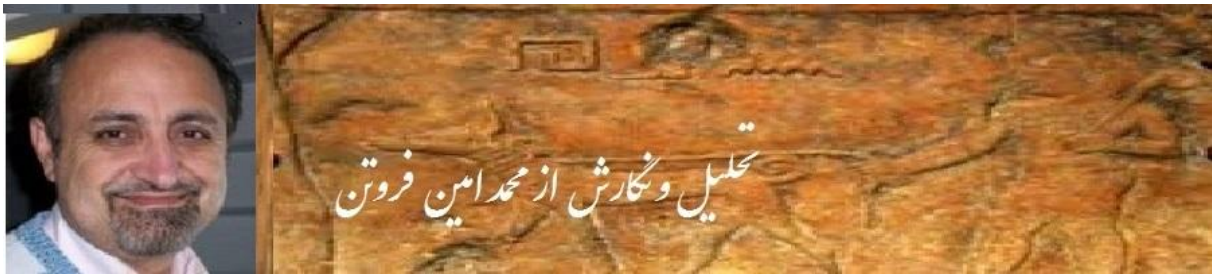


## عوارض مافیائی شبه دموکراتیک در افغانستان !



### پیوسته به گذشته قسمت نود و چهارم !

مدتی این مثنوی تأخیر شد ، اکنون باز هم حکایت ، حکایت افغانستان است و از چند دهه بدینسو است که مردم فقیر افغانستان دروغ پشت دروغ را می شنوند و تحمل میکنند روی همین دلیل دروغ و ریأ کاری را شناسنامه تمامی حاکمان می دانند اما اکنون باید افشأ گری کرد ؛ متأسفانه افشاگری از آنچه که نباید نیاز به افشاگری داشته باشد . اکنون برگردید و بار دیگر دیوار های شهر را بنگرید که هنوز هم رنگ شعار های زمامداران مافیائی حاکم بر سرنوشت افغانستان مظلوم آنگاه که برای غصب قدرت زور آزمائی میکردند به چشم می خورند .



دیوار ها این کتیبه های تاریخ باستانی افغانستان را ببینید ؛ کتیبه های که نه تنها سلاطین نوشته بودند بلکه بزرگترین افتخار نهضت های ملی و مترقی این جامعه و این ملت مظلوم محسوب می شدند و ببینید که چگونه آن شعار های خود جوش و راستین اصلاح طلبی و وقار ملی در زیر شعار های کاذب مافیائی پوشانیده شده اند ؟ مردم مسلمان و مبارز ما که در خط اصیل اصلاح طلبی دینی علیه مستکبرین و " مترفین " یعنی در مقابل قدرتمندان سلطه جوی امپریالیسم سرخ و ثروتمندان سرمایه خوار " استثمارگر " حرکت می کرد با شامه تیز و هوش صیقل یافته در کوران اصلاحات همه زمامداران **از نور محمد خان تره کی** تا **حامد خان کرزی** را جیره خوار بیگانه گان خواند و آن روزها قضاوتی

کرد که افشای گری های امروز بر قضاوت آن روزگار مهر تائید گذاشت و بالاخره فاش شد که مسبب اصلی این فاجعه بزرگ همان عمل خشونت گرایی نظامی بوده که همچون بمبی در روز هفتم ثور ۱۳۵۷ با کودتای خونین در قلب پایتخت منفجر شد .

<https://www.youtube.com/watch?v=USdiewdvqoM>

آری ! این است ماهیت بحران "مافیای شبه دموکراتیک!!" " معاصر که با پشتیبانی وکلای شدید اللحن و مجهز با طیاره های **B52** مردم بینوای ما را گروه ، گروه به اسارت در می آورند .



### گرچه را بین که دم علم کرده !

از کمترین عوارض یک شرکت سهامی مافیائی این است که هر شریک در جلد خودش چنان فرو میرود که وقتی بساط شعبده بازی را بر دیوارهای شرکت سهامی شبه دولتی بالخصوص از جنس « **وحدت ملی!!** » آویزان میکنند از مسأله کل سرنوشت اجتماع نه تنها غافل می گردد بلکه شهروندان مسخر کرده شده ای را نیز با پخش " **زهر زندگی روزمرگی** " اغفال میکنند که دیگر یاد های از زندگی گذشته شانرا به باد فراموشی می سپارند . چنانچه می بینید آقای **ضمیر کابلوف** از دبیلما ت های رژیم اتحاد جماهیر شوروی سابق که اکنون برای تحقق دکترین امنیتی دوران تزار یا قبل از انقلاب بلشویک بحیث نماینده خاص ولاد میر پوتین که با مشروعیت سازمان امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق **K.G.B** و با بازی گرفتن اصل انتخابات و دموکراسی که انتخابات را فقط بحیث وسیله بازی موش و گربه مورد استفاده قرار میدهند و خود را وارث تخت تزار بزرگ می نامد ،



اعلام داشت که روسیه با منافع مشترکی که با طالبان دارد با طالبان ارتباط قائم نموده است و طالبان افغانستان و طالبان پاکستان هر دو گفته‌اند که ابوبکر البغدادی (رهبر داعش) را به عنوان خلیفه به رسمیت نمی‌شناسند و داعش را به رسمیت نمی‌شناسند. این خیلی مهم است. "روسیه طالبان را یک گروه تروریست می‌داند و فعالیت این گروه در روسیه ممنوع است. چه حمایت پارادوکسیالی از گروه طالبان که قسم اش راست باشد و مردم روسیه و همه جهانیان بپذیرند که واقعاً این دیپلمات ذخیره عصر جنگ سرد جهان دوقطبی از ته دل با قربانیان تروریسم همدردی نشان میدهند و روی همین ملحوظ روسیه طالبان را یک گروه تروریست می‌خواند و فعالیت این گروه در روسیه نیز ممنوع است!!!»

<https://www.youtube.com/watch?v=anEAJ6iqsMI>

اظهاراتی که آقای ضمیر کابلوف نمائنده خاص ولادمیر پوتین برای افغانستان و پاکستان در سال ۲۰۱۲ میلادی بر زبان آورده است همگونی عمق استراتژیک روسیه با پاکستان را حکایت میکند. ! که دارای محتویات واحدی اند و با روشنی می‌بینیم که پشتونیزه ساختن یا به قول تحلیل گران امنیتی پاکستان طالبانی ساختن حل بحران افغانستان از مشترکات دکتورین امنیتی دوکشور پاکستان و روسیه محسوب میشوند. چنانچه جنرال متقاعد در یک گفتگوی صریح با روزنامه والستریٹ ژورنال امریکائی گفته است که باید بخاطر جلوگیری از نفوذ هند در افغانستان از طالبان حمایت شود و برای مشارکت این گروه در قدرت سیاسی زمینه‌های لازم و مطلوبی فراهم آید.

<https://www.youtube.com/watch?v=cD3hs4UDnGk>

با انتشار گزارشهای ارتباط روسیه با طالبان که در واقعیت ارتباط منافع مشترک پاکستان و روسیه باید نامیده شود پیوست با آن روزنامه معروف انگلیسی زبان **سندی تائمز** خبر ملاقات ولادمیر پوتین با ملاختر منصور رهبر طالبان در تاجکستان و یاهم ایران منتشر گردید که بلافاصله از سوی **ذبیح الله مجاهد** سخنگوی رسمی گروه طالبان هرگونه

ارتباط و مذاکرات رهبر طالبان ملا محمد اختر منصور با ولاد میر پوتین رئیس جمهور روسیه با شدت تکذیب شد اما آنچه که روشن و واضح به نظر می آید این است که بدون شک این ملاقات که لابد از سوی سازمان اطلاعات ارتش پاکستان **ISI** ترتیب گردیده است هیچگاه به سطح ولادمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و رهبر طالبان ملا اختر محمد منصور صورت نگرفته است اما با توجه به سوابق **ضمیر کابلوف** نماینده خاص رئیس جمهور روسیه که در سال ۱۹۹۵ میلادی بخشی از مذاکرات با طالبان را به پیش میبرد و احتمالاً ملا اختر محمد منصور رهبر گروه طالبان این ملاقات در تاجکستان و یا هم ایران ترتیب گردیده باشد .

